

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه جمعه

حضرت امیر المؤمنین

سیدنا حضرت خلیفۃ المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاریخ ۱۵ فوریه ۲۱۰۹ در مسجد بیت الفتوح خطبه جمعه ارشاد فرمود کہ بہ زبان ہای مختلف بر ایم تی اے زندہ پخش شد.

حضور انور فرمود: از اصحابی کہ امروز ذکر خیر می شود، اولشان حضرت خالد بن قیس است. وی از قبیلۃ خزرج و شاخۃ بنوبیاضا بود. پدرش قیس بن مالک و مادرش ام سلمی دختر حارث بود، همسرش ام ربیع بود کہ از او پسری بہ نام عبدالرحمان داشت. ابن اسحاق معتقد است کہ وی بہ ہمراہ ہفتاد صحابی انصار در بیعت عقبہ ثانیہ شرکت کرد. وی در غزوۃ بدر و احد ہم حضور داشت.

صحابی دیگر حضرت حارث بن خزیمہ است. وی صحابی انصاری بود و کنیۃ ابویسر داشت. از قبیلۃ خزرج انصار و با بنوعبدالاشعل ہمپیمان بود. وی در غزوۃ بدر و احد و خندق و تمامی غزوات دیگر بہ ہمراہ حضرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و سلم شرکت کردہ بود. حضرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و سلم بین او و حضرت ایاس بن بکیر پیمان برادری بستہ بودند. در تاریخ وارد شدہ است کہ وقتی در ہنگام غزوۃ تبوک شتر آن حضرت صلی اللہ علیہ و سلم گم شد، منافقان بہ ایشان اعتراض کردند کہ خبر از شتر خود ندارد چطور می تواند اخبار آسمانی را بداند. زمانی کہ حضرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و سلم از این اعتراض خبردار شدند، فرمودند: من همان امور را می دانم کہ خداوند متعال درباره شان بہ من خبر می دہد و سپس فرمودند: حال، خداوند بہ من درباره شترم خبر دادہ است کہ آن در فلان وادی است. این رویداد قبلاً نیز در ضمن ذکر صحابی بیان شدہ است. آن صحابی کہ این شتر را از مکان خبر دادہ شدہ، جست و جو کردہ و آورد، حضرت حارث بن خزیمہ بود. وی در ۴۰ ہجری در دوران خلافت حضرت علی در سن ۶۷ سالگی در مدینہ درگذشت.

صحابی دیگر کہ ذکر خیرش می شود، حضرت خنیس بن حذافہ است. کنیہ اش ابو حذافہ و نام مادرش ضعیفہ دختر حزیم بود. وی از قبیلۃ بنی سہم بن عمرو بود و قبل از رفتن حضرت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و سلم به دار ارقم ایمان آورد. وی، برادر حضرت عبدالله بن حذافه بود و از آن مسلمانانی بود که بار دوم به حبشه مهاجرت کرده بودند. وی از اولین مهاجران به شمار می‌رود. ام المومنین حفصه قبل از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به عقد حضرت خنیس بود، با او ازدواج کرده بود. در سیرت خاتم النبیین در شرح آن مسطور است که حضرت عمر بن خطاب دختری به نام حفصه داشت که در عقد خنیس بن حذافه بود که صحابی مخلصی بود و در جنگ بدر حضور داشت. پس از بدر، در اثنای بازگشت به مدینه وی بیمار شد و از آن بیماری جان سالم به در نبرد و فوت کرد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نماز میتش را اقامه نمودند و در جنت البقیع در پهلوی عثمان بن مظعون دفن گردید. صحابی دیگر که احوالش ذکر می‌شود، نامش حضرت حارثه بن نعمان است. کنیه‌اش ابو عبدالله بود. وی صحابی انصاری و از قبیله خزرج و شاخه بنونجار بود. در غزوه بدر، احد، خندق و تمامی غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرد. وی از اصحاب کبار به شمار می‌رود. نام مادرش جاده دختر عبید بود. اولاد حضرت حارثه بن نعمان: عبدالله، عبدالرحمان، سوده، عمره و ام هشام هستند. نام مادر این فرزندانش ام خالد بود. و ام کلثوم نیز از اولادش بود که مادرش از بنو عبدالله بن غطفان بود و همین‌طور امة الله که مادرش بنوجنده بود، نیز دخترش بود.

حضرت عائشه رضی الله عنها تعریف می‌کند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به او بسیار احترام می‌گذاشتند و درباره‌اش این روایت نیز نقل شده است که حضرت عائشه گفت: وی با مادر خود بهترین رفتار می‌داشت و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: اینچنین نیکی، همه شما باید انجام دهید.

حضرت حارثه بن نعمان در اواخر عمر خود نابینا شده بود و از اتاق خود تا جای نماز طنابی بسته بود و نزد خود سبده می‌داشت که در آن خرماها بود، هرگاه فقیر و مستمندی یا سائلی می‌آمد یا کسی برای دیدنش می‌آمد و به او سلام می‌کرد آنگاه درباره هر کسی که متوجه می‌شد که آدم فقیر و مستمندی است با کمک همان طناب از محل نماز خود تا در می‌آمد و به او خرماها می‌داد. اعضای خانواده به او می‌گفتند که از طرف شما ما این خدمت را انجام می‌دهیم، چشمانتان

خوب نیستند چرا به خودتان رنج می‌دهید اما وی می‌فرمود: من از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شنیده‌ام که کمک به فقیر و مستمندی از مرگ بدی مصون می‌دارد.

از حضرت عائشه مروی است که در روز حنین، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خطاب به صحابه فرمودند: چه کسی از شما شب نگهبانی می‌دهد. بر آن، حضرت حارثه بن نعمان یواش یواش با طمانینه بلند شد. حضرت حارثه در هیچ کار خود عجله نمی‌کرد. صحابه به سبب یواش بلند شدنش به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: حارثه را حیایش خراب کرده است. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: چنین نگوئید بلکه اگر بگوئید که حیا حارثه را درست کرده است، راست خواهد بود. وی در دوران حضرت امیر معاویه در گذشته بود.

صحابی دیگر حضرت بشیر بن سعد است. کنیه‌اش ابونعمان بود. پدرش سعد بن ثعلبه بود. حضرت بشیر برادر سماک بن سعد و از قبیله خزرج بود. نام مادرش انیس دختر خلیفه بود. همسرش، عمره دختر روانه نام داشت. وی در زمان جاهلی نوشتن بلد بود. این آن دورانی بود که بسیار افراد اندکی سواد نوشتن را داشتند. وی از آن هفتاد انصار بود که در بیعت عقبه ثانیه شرکت کرده بودند. وی در غزوه بدر، احد و خندق و تمامی غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرده بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در شعبان ۷ هجری به رهبری حضرت بشیر بن سعد سریه‌ای بالغ بر سی نفر به طرف فدک بن مره فرستادند. بین طرفین جنگ سختی درگرفت، حضرت بشیر جوانمردانه جنگید و در حال جنگیدن شمشیر به پاشنه‌اش خورد و وی بیهوش شده و روی زمین افتاد؛ دشمنان فدک فکر کردند که شهید شده لذا او را رها کرده و رفتند. به هنگام شامگاه وی به هوش آمد و از آنجا به فدک رفت و در خانه یک یهودی چند روزی اقامت نمود و سپس به مدینه بازگشت. همین‌طور در شوال ۷ هجری حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وی را به همراه سیصد نفر به طرف یمن و جوار روانه فرمودند که این مکان در میان فدک و وادی القران واقع است، این همان جایی است که مردم غطفان به همراه عیینه بن حنس افرادی جمع شده و علیه اسلام نقشه می‌کشیدند. حضرت بشیر با آنها جنگید و آنها را پراکنده کرد.

در روایت دیگری اینطور آمده است که حضرت نعمان بن بشیر می گوید: پدرم قدری مال به من داد. گفتنی است که این هر دو روایت از بخاری است. ادامه روایت این است که آنگاه مادرم، عمره دختر رواجه گفت: من راضی نمی شوم مادامی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را بر این امر گواه قرار ندهید. پدرم در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رفت تا ایشان را بر هدیه ای که به من داده بود، گواه بگیرد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: تو به تمامی فرزندان خود همین قدر مال داده ای؟ وی گفت: نخیر. آن حضرت فرمودند: تقوای خدا پیشه کن و با اولاد خود به عدالت رفتار کن. پدرم بازگشت و آن هدیه خود را ز من پس گرفت. در روایت صحیح مسلم آمده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: مرا گواه قرار ندهید چرا که من بر ظلم نمی توانم شهادت دهم.

حضرت مصلح موعود از این دست هدیه را بسیار عالی شرح داده که راهنمایی خوبی است؛ آن حضرت می فرماید: معتقدم که این فرمان حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم درباره چیزهای مهم است و به چیزهای کوچک و کم اهمیت مربوط نمی شود. به طور مثال، داریم موز می خوریم و ممکن است که موز را به پسری که جلوی مان بیاید بدهیم و دیگری از آن محروم بماند.

به هر حال، این مسئله فقهی مربوط به هدیه یا ارث است و همه باید به هنگام تقسیم ارث یا دادن هدیه ای یا وصیت کردن آن را مدنظر داشته باشند.

حضرت بشیر در دوران خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در ۱۲ هجری در معركة حضرت خالد بن ولید به نام معركة عین التمر شرکت کرد و در آن به شهادت رسید.

حضرت بشیر بن سعد اولین نفر از انصار بود که به دست حضرت ابوبکر در روز سقیفه بنو ساعده بیعت کرده بود. سقیفه بنو ساعده چیست؟ درباره آن نوشته شده است که این در مدینه جای نشستن و جمع شدن بنو خزرج بود، شاید اتاق بود یا به لحاظ آن زمان سایه بانی بود به هر حال، در اینجا پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در ارتباط با جانشینی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم جلسه تشکیل شد.

در آخر حضور انور درباره اوضاع بنگله دیش درخواست دعا کرد. پس از نمازها، نماز میت غایب نیز اقامه نمود که مال خانم صدیقه بیگم از دنیاپور پاکستان است.